

امکان سنجی الزام کاندیداهای انصرافی ریاست جمهوری به جبران خسارات

محمد یوسف زاده^۱، مهدی بالوی^۲، مهدی انصاری^۳

چکیده

انتخابات به عنوان مظهر مردم‌سالاری و گزینش حکمرانان در عصر حاضر نقش مهمی را ایفا می‌کند که انتخاب رئیس‌جمهور یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در نظام حقوق اساسی ایران مطابق اصول یکصد و سیزده تا یکصد و پانزدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه در انتخاباتی چهار ساله برگزیده می‌شود، اما نکته حائز اهمیت در فرایند حاضر آن است که در جریان ثبت نام و به ویژه پس از تأیید صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان، برخی از افراد تأیید صلاحیت شده صرفاً به منظور حمایت از کاندیدای دیگر فعالیت نموده و پس از استفاده از امکانات رایگان دولتی، از رقابت انتخاباتی به نفع کاندیدای مورد نظر انصراف می‌دهند.

نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و در پاسخ به این پرسش که آیا از منظر حقوقی امکان جرم‌انگاری برای کاندیداهای تأیید صلاحیت شده انصرافی انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد، پیشنهاد اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری را با درج شروطی نسبت به جرم‌انگاری این رفتار و اعمال محرومیت‌های سیاسی نسبت به آنان ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدای پوششی، قانون اساسی، مسؤلیت حقوقی

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی)، قم، ایران
mohammadusefzadeh@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی)، قم، ایران
mahdibalavi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
mehdi_Ansari70@yahoo.com

درآمد

انتخابات به عنوان مظهر اعمال اراده مردم در سپهر سیاسی در جوامع مختلف به شمار می‌آید. این مهم از آنجا اهمیت دارد که از مجرای آن تمشیت امور جامعه به نمایندگان مردم واگذار شده و این اشخاص در قوا و دستگاه‌های مختلف نسبت به ایفای وظایف خود اقدام می‌نمایند. در نظام حقوق اساسی ایران نیز که نظامی نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی است، مطابق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور بوده و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. این شخص به تصریح اصل یکصد و چهاردهم برای مدت چهار سال و با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود. شیوه برگزاری این انتخابات را نیز قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن مشخص نموده است. مطابق این قانون اشخاص واجد شرایط پس از ثبت نام در انتخابات، صلاحیتشان توسط شورای نگهبان مورد بررسی واقع گردیده و در صورت تأیید صلاحیت رسماً وارد کارزار انتخابات می‌شوند.

پیرو توضیحات فوق آنچه در برخی ادوار انتخابات ریاست جمهوری به ویژه در دوره‌های یازدهم، دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم روی داده، ایجاد و ایفای نقشی سیاسی با عنوان «کاندیدای پوششی» توسط برخی داوطلبان تأیید صلاحیت شده بوده که منازعاتی سیاسی و حقوقی را به وجود آورده است. این مفهوم در انتخابات دهه اخیر وارد ادبیات سیاسی ایران شده و بیشتر بدین معناست که طیفی از افراد به صورت ابزاروار به عنوان مدافع و پوشش کاندیدای اصلی عمل نموده و در جریان تبلیغات انتخاباتی، به صورت خاص در مواقعی از امکانات دولتی مثل برنامه‌های صدا و سیما استفاده می‌کنند، با حملات چند جانبه به رقیب اصلی و دفاعیات متعدد از نامزد هم طیف خود، وی را در هاله‌ای قدسی جای می‌دهند تا شانس پیروزی وی را افزایش دهند و پس از انجام عملیات خود در آخرین لحظات تبلیغات با استفاده از ظرفیت تبصره ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری^۱ به نفع شخص مزبور

۱. هر یک از داوطلبان ریاست جمهوری در صورت تمایل به انصراف از داوطلبی باید شخصاً و یا از طریق نماینده تام‌الاختیار خود و به صورت کتبی انصراف خود را به وزارت کشور اعلام نمایند.

انصراف می‌دهند.

فعل سیاسی مذکور در قالب پوشش برای کاندیدای اصلی را گرچه شاید بتوان با ادله و مستندات مربوط به علوم سیاسی توجیه نمود و آن را جلوه‌ای از فعالیت بازیگران سیاسی برشمرد؛ لیکن از منظر حقوق عمومی این مسأله نیازمند تحقیق و دقت بیشتر است. بدین توضیح که با عنایت به روح کلی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که متأثر از فقه است و مصرحات قانونی که ذیل آن اولاً،^۱ به لزوم رعایت اخلاق در همه عرصه‌ها از جمله در سپهر سیاسی اشاره شده؛ ثانیاً، نگاهی که مقنن به مناصب عمومی به عنوان اموری امانی^۱ داشته و یکی از شروط اصلی امانت‌داری را برخورداری از صداقت و حسن نیت برشمرده است؛ و ثالثاً، قائل به منع اسراف و تبذیر به‌خصوص راجع به بیت‌المال شده و از سوی دیگر با عنایت به عموماًت حقوقی که در آن اتلاف و تسبیب از ارکان مسؤولیت مدنی بر شمرده شده است؛ لذا می‌توان ادعا نمود اسراف و اتلاف بیت‌المال توسط کاندیداهای پوششی موجبات مسؤولیت ایشان را فراهم آورده و لازم است با اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری به این امر مبادرت ورزیده شود.

نوشتار حاضر که با رویکرد توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای تحریر یافته و در جست‌وجوی پاسخ به این سؤال است که آیا می‌توان از منظر حقوقی کاندیداهای پوششی انتخابات را ملزم به جبران خسارت نمود و در صورت پاسخ مثبت، شرایط آن چیست. در خصوص موضوع حاضر، با عنایت به عدم پیش‌بینی موادی مصرح در قوانین و مقررات درباره مسؤولیت حقوقی نامزدهای مذکور، تاکنون تحقیقی به چاپ نرسیده است و پژوهش‌های گران‌سنگی که درباره اصول یکصد و سیزده، یکصد و چهارده و یکصد و پانزدهم منتشر شده (رستمی و موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲۵-۲۴۰، موحدی‌محب، ۱۴۰۰: ۲۶۵-۲۹۰، طحان‌نظیف و مطیعی، ۱۳۹۹: ۴۹-۶۸؛ باقری‌خوزانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۷-۸۲؛ تقی‌زاده و علی‌کرمی، ۱۳۹۱: ۱-۳۰) ناظر به موضوع کاندیداهای پوششی نبوده و بر ویژگی‌ها، شرایط و مسؤولیت‌های رئیس‌جمهور متمرکز بوده است.

تحقیق حاضر در سه قسمت ساماندهی شده است. در قسمت از منظر فقهی بر

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد بنگرید به: حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۶.

حرمت اسراف علی‌الخصوص درباره بیت‌المال پرداخته شده؛ چرا که با چنین تحلیلی بسترهای فقهی موضوع تعیین می‌شود. در بخش دوم نیز مبانی قانونی مسؤولیت کاندیداهای پوششی در حقوق موضوعه ایران بررسی شده و با مطالعه اسناد بالادستی و همچنین قوانین و مقررات نسبت به امکان تعیین مسؤولیت برای اقدامات نامبردگان اشاره شده است. در بخش پایانی نیز با مطالعه‌ای تطبیقی در قوانین کشورهای مختلف؛ و نه کشوری خاص به منظور بهره‌گیری از نقاط قوت و ایده‌های کارآمد هر یک از آن‌ها در خصوص برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، اولاً راهکارهایی که امکان کاهش هرچه بیشتر انجام چنین اقدامی از سوی کاندیداها را فراهم نماید مورد بررسی قرار گرفته و ثانیاً ضمانت‌اجراهایی که شامل محکومیت‌های مدنی و محرومیت‌های سیاسی است مورد تحلیل واقع گردیده‌اند. اهمیت بررسی بخش سوم از آن روست که مقاله پیشنهاد داده است با اصلاحاتی در قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران که الگوهای کارآمد و آزموده شده آن‌ها به فراخور در هر یک از کشورها مورد بهره‌برداری واقع گردیده است، تعداد کاندیداهای واقعی مشخص و به تبع آن حضور کاندیداهای پوششی کاهش خواهد یافت و از دیگر سو فعالیت سیاسی را امری هزینه‌بر کرده و ریسک قدرت را در عرصه سیاسی بالاتر می‌برد.

۱. مسؤولیت قانونی در حقوق موضوعه؛ وحدت در تکلیف‌زایی

متأثر از مبانی شرعی، حقوق موضوعه ایران نیز نسبت به هدفمندسازی و قاعده‌محور نمودن امر انتخابات در وجه شکلی و ماهوی آن در اسناد بالادستی و قوانین عادی گام برداشته است. در نگاه نخست شاید بتوان ادعا نمود که در قوانین و مقررات موجود متن مصرحی در خصوص مسؤولیت انصراف داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری پس از تأیید شورای نگهبان پیش‌بینی نشده است و مسؤولیتی متوجه آنان ولو پس از استفاده از امکانات دولتی و بیت‌المال متصور نیست؛ لیکن با مذاقه در عموماً قوانین و فلسفه وضعی حاکم بر آنان، می‌توان مسؤولیت حقوقی این اشخاص را شناسایی کرد. در این قسمت از مقاله، اسناد تقنینی مرتبط را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. اسناد بالادستی

با توجه به مذاق، مفاد و روح حاکم بر اسنادی که ارزش هنجاری بالاتری نسبت به قوانین عادی دارند، می‌توان فهمید که توجه به بیت‌المال و عدم اسراف آن در اثنای رقابت‌های انتخاباتی امری مسلم است؛ چرا که با این کار ضمن حفظ اعتبار نهاد انتخابات و تضمین حق تعیین سرنوشت مردم، ارزیابی هزینه‌های مالی و شفافیت مورد نظر قانون‌گذار نیز تحقق می‌یابد.

در بندهای ۳، ۴ و ۸ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵ به عنوان سندی الزام‌آور و راهنما برای تنظیم قوانین پایین دست (مهرپور، ۱۳۸۰: ۳۹۵-۴۰۵)، ضمن آن‌که امکان بهره‌مندی داوطلبان انتخابات از امکانات صدا و سیما^۱ مورد تصریح واقع گردیده، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و نظارت دقیق بر آن نیز از دیگر نکات مهم تلقی شده است.^۲ هم‌چنین در این سیاست‌ها افزایش سواد و آگاهی‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی^۳ از جمله مواردی بوده است که در راستای افزایش مشارکت آگاهانه مردم و انتخاب اصلاح باید بدان توجه داشت. با توجه به موارد فوق‌گرفته این سند بالادستی به وضوح امکان بهره‌گیری از امکانات دولتی به ویژه صدا و سیما را برای داوطلبان انتخابات امکان‌پذیر ساخته؛ لیکن اولاً، چنین استفاده‌ای منوط به رعایت مسلمات دینی مثل عدم اسراف و تبذیر است، ثانیاً، چنان‌که از بند ۴ این سیاست‌ها بر می‌آید، شفاف‌سازی هزینه‌های مالی در این خصوص یکی از ارکان مسلم گردش مالی سالم انتخابات به شمار می‌رود و این انتظار وجود دارد با توجه به این‌که تمام یا بخشی از بودجه نهادهای دولتی از منابع عمومی و مالیات مردم تأمین می‌شود، میزان تخصیصی هم که به هر یک از داوطلبان در این خصوص اختصاص می‌یابد مشخص و در صورت سوء استفاده یا تفویض منفعت

۱. بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات: بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صدا و سیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور.

۲. بند ۴ سیاست‌های کلی انتخابات: تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیر مجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکیل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی.

۳. بند ۸ سیاست‌های کلی انتخابات: ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخاب اصلاح.

بتوان به همان میزان نسبت به پیگیری حقوقی آن اقدام نمود و ثالثاً یکی از اهداف معین شده در بند ۸ این سند «تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی» است که مسلماً یکی از شاکله‌های آن، رقابت واقعی و عادلانه است تا از رهگذر آن با آگاهی بیشتر مردم، امکان انتخاب مسؤول اصلح بیش از پیش فراهم آید.

قانون اساسی نیز در اصل دوم که پایه‌های ایمانی نظام جمهوری اسلامی را معرفی می‌کند، در بند ۶ به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا» اشاره دارد. بنا به حاکمیت رویکرد دینی بر قانون اساسی، از منظر این قانون، انسان در جامعه ایرانی آزادی مطلق و عاری از مسؤولیت ندارد، بلکه این آزادی انسان منوط به مسؤولیت در برابر خداوند است. گواه این امر را مشروح مذاکرات قانون اساسی نشان می‌دهد که اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بر این نکته اصرار داشتند که آزادی باید در چهارچوب قوانین الهی تعریف و آزادی مطلق، مشروع نبوده و نباید تجویز شود (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای، ۱/۱۳۶۴: ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۷، ۲۳۹ و ۲۱۴-۲۱۵). بر همین اساس می‌توان اظهار داشت از مجرای این مسؤولیت خدامحور انسان، بایستی قائل به رعایت احکام و مسلمات شرعی بود و یکی از چنین احکامی حرمت اسراف و اتلاف منابع بیت‌المال با استفاده از خلأهای تقنینی در قوانین انتخاباتی است. هم‌چنین با دقت در اصل سوم قانون اساسی که روش‌های اجرایی اهداف نظام مندرج در اصل دوم را بیان می‌دارد، می‌توان مسؤولیت حقوقی نامزدهای پوششی را مورد شناسایی قرار داد: در بند ۱ این اصل به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد^۱ و تباهی»، بند ۲ به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»، در بند ۸ به «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» و در بند ۱۰ به «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر

۱. مقنن عادی در بند الف ماده ۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ضمن تعریف فساد، سوء استفاده از منابع عمومی کشور را فساد تلقی کرده است. «هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر ... سوء استفاده از ... امکانات یا اطلاعات ...».

ضرور» و هم‌چنین در بند ۶ اصل ۴۳ به «منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات» اشاره شده است. بندهای مذکور از اصل سوم و بند ۶ اصل چهل و سوم نیز به مانند سیاست‌های کلی نظام درباره انتخابات نشان می‌دهد که نامزدهای انتخاباتی با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی حق معرفی و ترویج برنامه‌های خود به منظور جلب آرای مردمی دارند؛ لیکن این نکته قابل تأمل است که حق مذکور داوطلبان نباید در راستای اضرار به غیر اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مورد استفاده قرار گیرد؛ چنان‌که اصل چهلم قانون اساسی در این باره تصریح داشته: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». طبعاً سوء نیت در استفاده از امکانات دولتی و منابع بیت‌المال می‌تواند مشمول اضرار به غیر از طریق فریب افکار عمومی و اتلاف منابع عمومی تعریف گردد. مستفاد از بند ۱۰ اصل سوم نیز می‌توان برداشت کرد که در کلیه شئون حکومتی از جمله تخصیص رسانه و بیت‌المال به افراد از جمله داوطلبان انتخابات بایستی نظام اداری و اجرایی صحیحی ترتیب داده شود و بدین ترتیب امور غیر ضرور و غیر واقعی حذف گردد. به همین دلیل از آنجا که تشکیل چنین نظام اداری صحیحی بر عهده «دولت» به معنی عام کلمه است و این امر نوعی تعهد به نتیجه برای دولت به شمار می‌آید (حبیب‌نژاد و سعید، ۱۳۹۶: ۶۹)، اصلاح قوانین و مقررات انتخاباتی به منظور جلوگیری از ظهور نامزدهای پوششی و استفاده به ناحق آنان از اموال و امکانات بیت‌المال امری ضروری است.

۲-۱. قوانین عادی

تمسک به مفاد و منطوق قوانین عادی نیز می‌تواند ما را در دست یازیدن به شناسایی مسؤولیت حقوقی نامزدهای پوششی در قانون انتخابات ریاست جمهوری یاری رساند. مطابق تبصره الحاقی مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۷ به ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری: «هریک از داوطلبان ریاست جمهوری در صورت تمایل به انصراف از داوطلبی باید شخصاً و یا از طریق نماینده تام‌الاختیار خود و به صورت کتبی انصراف خود را به وزارت کشور اعلام نمایند». از ظاهر تبصره آشکار است که قانون‌گذار ضمانت اجرا، جریمه و یا حتی تشریفات خاصی را برای شخص انصراف دهنده در نظر نگرفته است، اما آیا به صرف عدم فرض ضمانت اجرا نمی‌توان

مسئولیتی را متوجه کاندیدای پوششی فرض نمود؟ در اینجا دو بحث محل تأمل است:

یکم، مسأله کاندیداهای پوششی امری نوظهور در ساحت نظام انتخاباتی ایران است و نیازمند تحولات تقنینی در این خصوص متناسب با تغییرات به وجود آمده در کنش‌های سیاسی است. به عبارتی، حقوقی کردن سیاست اقتضای آن را دارد که نسبت به قاعده-مند نمودن ساحت‌های نوظهور سیاست اقدام و آن‌ها را در چهارچوب قواعد حقوق عمومی نظام‌مند نمود. همان‌طور که بنا به اهمیت تأمین نظام تأمین مالی در انتخابات (رحمانی و زرافشان، ۱۴۰۳: ۱-۲۶) یا نظام تبلیغات دیجیتال در انتخابات (ستاد انتخابات وزارت کشور، ۱۳۹۴) تحولات تقنینی روی داده است؛ بی‌شک قانون‌گذاری در خصوص نحوه برخورد با کاندیداهای پوششی هم لازمه ایجاد بستری مناسب برای داشتن نظام انتخاباتی پویا و کاراست.

دوم، موضوع دیگر مربوط به تفسیر تبصره الحاقی مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۷ به ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری است. برخی قائل بر این برداشت هستند که قانون منعی برای انصراف در نظر نگرفته است و در نتیجه آن داوطلبان از حق قانونی خود استفاده می‌کنند؛ لذا خود قانون هم ضمانت اجرایی برای کار تعیین نکرده است. از این رو اگر نامزدی انصراف دهد مسئولیتی متوجه او نیست و در مقابل برخی دیگر مدعی‌اند که ایجاد شور انتخاباتی به وسیله کاندیداهای پوششی موجبی برای ائتلاف منابع نیست و نص قانون بر مسئولیت هر گونه ائتلاف تأکید دارد. با این توضیح که تبصره مذکور ناظر به مرحله ثبت نام است و نه ناظر به مرحله اعلام صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان؛ لذا افراد تأیید شده که از امکانات استفاده نموده‌اند، نمی‌توانند به راحتی انصراف دهند و بایستی ریسک و هزینه کنش سیاسی خود را بپذیرند. حکم تبصره ۵۵ نافی عدم مسئولیت نیست؛ یعنی تبصره امکان انصراف را اعلام داشته ولی از باب این‌که اثبات شیء نفی نمی‌کند، مقرر نکرده که فرد منصرف بری‌الذمه است، همان‌گونه که در موارد مشابه بین مرحله ثبت نام و مرحله تأیید صلاحیت، مقنن قائل به تفکیک شده و انصراف بعدی را منوط به پرداخت جریمه نموده است (درویش‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۱). برای مثال در نظام آموزش عالی کشور، صرف قبولی در کنکور جریمه‌ای برای داوطلب به همراه ندارد، ولی انتخاب رشته و دانشگاه توسط

داوطلب و قبولی وی در دانشگاه و انصراف متعاقب آن، فرد را مشمول پرداخت برخی جرایم و حتی محرومیت تحصیلی می‌کند.^۱ با چنین ملاکی مشخص می‌شود وقتی برای یک انصراف تحصیلی که صرفاً برای خود فرد دارای اهمیت است، ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است، به قیاس اولویت برای کاندیداهای پوششی انتخابات ریاست جمهوری که امری ملی و همگانی است هم بایستی ضمانت اجرای مکفی را طراحی و اعمال نمود.

عدم توجه به مسؤولیت حقوقی کاندیداهای پوششی ریاست جمهوری از منظر قانون مربوطه از جهت دیگری نیز قابل تأمل و نقد است. ماده ۶۲ این قانون برای «تضمین برخورداری یکسان نامزدهای ریاست جمهوری از امکانات دولتی» تشکیل «کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات^۲» را پیش‌بینی نموده است. در ماده ۶۵ نیز مقرر داشته نامزدهای تأیید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان «هر یک حق دارند به‌طور مساوی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای معرفی و ارائه برنامه‌های خود استفاده نمایند.» همان‌طور که در این دو ماده قابل مشاهده است، «تضمین برخورداری یکسان نامزدها از امکانات دولتی» و «حق [برخورداری] مساوی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» دو مؤلفه اصلی در برخورداری نامزدها از منابع بیت‌المال است. منطقاً از آن‌جا که اصل بر حکمت قانون‌گذار است و مقنن در صدد ایجاد این حقوق برای داوطلبان واقعی انتخابات بوده، بی‌شک استفاده نامزدهای پوششی نظم منطقی و فلسفی موارد را به هم می‌زند و همچنین امکان پاسخگویی داوطلبان واقعی را مورد خدشه قرار می‌دهد.

قانون سومی که با تمسک بدان می‌توان مسؤولیت حقوقی کاندیداهای پوششی را مورد شناسایی قرار داد، قانون مدنی است. مطابق ماده ۳۰۷ این قانون، چهار عامل سبب ضمان قهری می‌شوند که عبارت‌اند از: غصب و آنچه که در حکم غصب است، اتلاف، تسبیب و استیفاء. در ماده ۳۲۸ هم با تشریح حکم اتلاف،

۱. تبصره ماده ۶ شیوه‌نامه اجرایی دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی: «چنانچه دانشجوی روزانه مشمول آموزش رایگان در هر بازه زمانی بعد از حذف و اضافه از ادامه تحصیل انصراف دهد، ملزم به پرداخت هزینه آموزش رایگان کل نیمسال مطابق ضوابط سازمان امور دانشجویان است.»
 ۲. به منظور تضمین برخورداری یکسان نامزدهای ریاست جمهوری از امکانات دولتی، کمیسونی به نام کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در زیر نظر هیأت اجرایی مرکزی انتخابات و بنا به دعوت وزیر کشور تشکیل می‌گردد.

بیان می‌دارد شخص اتلاف کننده بایستی مثل یا قیمت آنچه را که عامدانه تلف نموده پرداخت نماید^۱. هم‌چنین در ماده ۳۳۱ با توصیف تسبیب، مُسبب را مسؤول پرداخت قیمت یا مثل مال تلف شده فرض نموده است^۲. از دقت در مواد فوق به نیکی روشن می‌شود که کاندیدای پوششی با انصراف خود پس از استفاده از امکانات رایگان رسانه‌ای دولتی که در اختیار وی قرار داده می‌شود، موجب تلف اموال دولتی و بیت‌المال شده و همچنین مسبب تفویت منفعت سازمان صدا و سیما از درآمدهای قطعی الوصول می‌شود؛ به همین دلیل امکان الزام وی به جبران این خسارات نیز منطقی است.

۲. کنترل‌گری و وجه الضمان سازی برای نامزدها

در این قسمت، نخست به بررسی راه‌های مقابله با پدیده نامزدهای پوششی می‌پردازیم و سپس به ضمانت‌اجراهایی اشاره می‌شود که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان نسبت به جبران خسارات وارده توسط کاندیداهای پوششی اقدام و تحمیل وجه تنبیهی به این افراد اقدام نمود.

۱-۲. شیوه‌های کاهش نامزدهای پوششی

شیوه‌های کاهش نامزدهای پوششی را با بهره‌گیری از تجربه سایر کشورها در چند اقدام می‌توان مورد مطالعه قرار داد که در ذیل به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. طبعاً با عنایت به این‌که در نظام انتخاباتی ایران به این موارد پرداخته نشده است، شایسته است قانون‌گذار در مسیر تحولات تقنینی و نظام‌مند کردن امر انتخابات نسبت به بهره‌گیری از این تجارب اقدام نماید.

۱-۱-۲. مستظهر به ملت؛ لزوم اخذ تأییدیه از عموم

نامزدهای انتخاباتی پیش از ورود به عرصه انتخابات با توجه به پیشینه، تجربه و ویژگی‌های شخصیتی و کارکردی که داشته‌اند، قائل به پایگاه رأی برای خود بوده و کنش‌گری سیاسی خود را با چنین پیش فرضی انجام می‌دهند. از آنجا که امکان ارزیابی

۱. هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل و یا قیمت آن را بدهد اعم از این‌که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این‌که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

۲. هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص و قیمت آن برآید.

پیشینی این پایگاه رأی برای نهادهای برگزاری انتخابات بدون داشتن معیارهای عینی و بین‌الادّهانی میسر نیست و احتمال دارد با چنین اقدامی، بی‌طرفی این نهادها مورد خدشه قرار گیرد، برخی کشورها با طراحی نظام تأییدیه یا «امضا»^۱ درصدد برآمده‌اند تا اشخاصی که قصد حضور در صحنه انتخابات به عنوان داوطلب را دارند، با اخذ تعدادی مقرر تأییدیه/امضا از گروه‌هایی معین و ارائه آن به نهاد مخصوص در ظرف زمانی مشخص، نمونه‌ای از رأی پشتیبان و اعتبار و وثوق سیاسی خود را نشان دهند. فلسفه نهادی سیستم مذکور که در راستای مقابله نامزدهای پوششی و به منظور واقعی نمودن رقابت‌های انتخاباتی وضع شده چنین است که افراد حاضر در صحنه انتخابات برای تصدی مناصب دولتی، جدیت لازم را داشته باشند و تأییدیه‌های مأخوذه را به راحتی هزینه نکنند.

سیستم فوق‌گرفته در وهله نخست شاید با برخی نقدها با محوریت تعارض آن با اصل رأی‌گیری مخفی، نحوه ارزیابی و تصدیق امضاها در سیستم‌های امضای بالا و عدم امکان بهره‌گیری از سیستم جمع‌آوری امضا در انتخابات زود هنگام و... مواجه است، اما مزایا و کارکردهای فرایند فوق بر نقدهای وارده سنگینی داشته و کماکان این مکانیسم در نظام‌های انتخاباتی برخی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در قانون اساسی مصر^۲ مطابق ماده ۱۴۲ «برای پذیرفته شدن به عنوان نامزد ریاست جمهوری، نامزدها باید توصیه حداقل بیست عضو منتخب مجلس نمایندگان یا تأییدیه حداقل بیست و پنج هزار شهروند دارای حق رأی در حداقل پانزده استان و دست کم هزار تأییدیه از هر استان را دریافت کنند. در همه موارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از یک نامزد را تأیید کند». بر اساس ماده ۱۰۱ قانون اساسی ترکیه^۳ نیز شخص خواهان تصدی ریاست جمهوری «ممکن است توسط گروه‌هایی از احزاب سیاسی، احزابی که حداقل پنج درصد آرای معتبر را به تنهایی یا به‌طور جمعی در آخرین انتخابات پارلمانی به دست آورده‌اند یا [تأییدیه] حداقل یک صد هزار رأی دهنده،

1. signature

2. Constitution of Egypt (2014)

3. Constitution of the Republic of Türkiye (1982)

نامزد شوند». هم‌چنین مطابق بند ۳ ماده ۱۲۷ قانون اساسی لهستان^۱ هر کاندیدای ریاست جمهوری بایستی حداقل دارای پشتیبانی تأیید شده یکصد هزار شهروند دارای حق رأی را داشته باشد. در فرانسه نیز مطابق کد (قانون) انتخاباتی^۲، نامزدها باید امضای پانصد مقام منتخب محلی مانند شهرداران، نمایندگان مجلس، اعضای شوراهای محلی و منطقه‌ای و دیگر مقامات محلی را جمع‌آوری کنند. این امضاها بایستی حداقل سی دپارتمان یا قلمروی جغرافیایی باشد و از هر بخش حداکثر پنجاه امضا می‌توان اخذ نمود. شورای قانون اساسی این امضاها را تأیید کننده نامزدها را دریافت و اعتبار آن‌ها را ارزیابی می‌کند و در نهایت اسامی نامزدهای منتخب را اعلام می‌دارد (Özkaya, 2023: 1-25&Ünalp Çepel).

۲-۱-۲. برگزیده انجمن؛ لزوم معرفی نامزد از سوی احزاب

«احزاب سیاسی با سامان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه، در عین حالی که عامل تقسیم کردن و متشکل ساختن مردم به شاخه‌ها و بخش‌های گوناگونند، عامل نزدیک کردن و تلفیق نمودن خرده گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها و یا نظام‌های اندیشه‌های کم و بیش منسجمی هستند. این معنی طبعاً به مبارزات انتخاباتی، ابعاد عمیق‌تری می‌بخشد و معنی و مفهوم موضوعات مورد مبارزه را از شکل فردی و گاه سطحی خارج کرده و بدان رنگ و بویی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی می‌افزاید و صورت مسائلی سازمان یافته‌تر و پیش‌اندیشه‌تر به بازار سیاست عرضه خواهد کرد» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۳۳۲).

به منظور تضمین عدالت و شفافیت در فرآیند انتخابات، وجود رقابت سالم و آزاد بین کاندیداها امری ضروری است، اما ظهور و فعالیت پدیده کاندیدای پوششی این اهداف را مورد خدشه قرار داده و به شدت به اعتماد عمومی آسیب می‌رساند. یکی از راهکارهایی که می‌توان به حضور کاندیداها را در این عرصه نظام‌مند و واقعی نمود، معرفی نامزدهای انتخاباتی از مجرای احزاب و تشکل‌های سیاسی در راستای عملی نمودن یکی از حقوق و اختیارات آن‌هاست^۳. احزاب سیاسی به عنوان شناساگر

1. The Constitution of the Republic of Poland (1997)

2. Electoral code of France (2024)

۳. بند ۱۳ ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی: «احزاب دارای پروانه فعالیت در

کاندیدها در انتخابات (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۱۳) می‌توانند از طریق مکانیزم‌ها و استراتژی‌های مختلف، از ظهور و فعالیت کاندیدهای پوششی جلوگیری کنند. در این راستا چهار مکانیسم برای احزاب می‌تواند مورد شناسایی قرار داد:

یکم، تعیین دقیق معیارهای انتخاباتی برای کاندیدها: این امر می‌تواند از ورود افراد غیر متعهد و بی‌هدف به انتخابات جلوگیری کند. این معیارها می‌تواند شامل سابقه فعالیت سیاسی، تعهد به اصول و ایدئولوژی حزب و داشتن پشتیبانی مردمی واقعی باشند. همچنین، این نهادها فرایندهای درون‌حزبی (مانند انتخابات مقدماتی) را به گونه‌ای طراحی کنند که تنها کاندیدهای واقعی و واجد شرایط امکان رقابت در انتخابات نهایی را داشته باشند.

دوم، نظارت و کنترل درون‌حزبی: احزاب می‌توانند از طریق مکانیسم‌های مختلف مانند کمیته‌های نظارتی، تیم‌های تحقیقاتی و گزارش‌های دوره‌ای از فعالیت‌های کاندیدهای حزبی، مطمئن شوند که تمامی کاندیدها به اهداف و استراتژی‌های حزب پای‌بند هستند.

سوم، آموزش و آگاهی بخشی به اعضا و حامیان حزب: احزاب می‌توانند با برگزاری جلسات آموزشی، سمینارها و کارگاه‌های مختلف، اعضای خود را با تاکتیک‌های مختلف سیاسی آشنا کنند و آن‌ها را برای مواجهه با کاندیدهای پوششی آماده سازند.

چهارم، تشویق به ائتلاف‌های انتخاباتی: ائتلاف‌ها می‌توانند به تجمیع آرا و کاهش تشتت در میان رأی‌دهندگان کمک کنند و در نتیجه، فضای رقابتی سالم‌تری ایجاد کنند.

۳-۱-۲. اخذ سپرده انتخاباتی در قبال بهره‌گیری از امکانات بیت‌المال

اخذ وثیقه مالی یا سپرده انتخاباتی^۱ از کاندیدهای انتخابات به منظور جلوگیری از نامزدی کاندیدهای غیر جدی یا جبران خسارات احتمالی یکی از سیاست‌هایی است که در برخی کشورها اعمال می‌شود. این وثیقه معمولاً به صورت مبلغ نقدی یا تضمین مالی است که نامزد باید آن را پرداخت کند تا در صورت عدم کسب حداقل

چهارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند ... ت: معرفی و حمایت از نامزدهای انتخاباتی در تمام انتخابات».

1. Election Deposit

تعداد مشخصی از آراء به دلیل فقدان پشتیبانی واقعی مردمی، بروز تخلفات، عدم رعایت قواعد انتخابات و ... این مبلغ ضبط شود. با عنایت به این که نامزدها در ایران از امکانات دولتی استفاده می کنند و در ادوار اخیر مشاهده شده که سوء استفاده از این امکانات در قالب کاندیدای پوششی بسط یافته و موجبات تقویت منفعت را فراهم آورده، پیش بینی و اخذ وثایق مالی برای جلوگیری از بسط نامزد پوششی می تواند امری راهگشا باشد.

در ادامه بند فوق بایستی اظهار داشت داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در هنگام ثبت نام در انتخابات، نسبت به معرفی و توثیق اموالی مشخص نزد نهادهای ناظر و مجری مثل شورای نگهبان یا وزارت کشور اقدام نمایند تا در صورتی که با ایفای نقش کاندیدای پوششی در انتخابات، نسبت به تضعیف نظام انتخاباتی یا کاهش اعتماد رأی دهندگان منجر شوند، بتوان نسبت به ضبط این وثایق به منظور جبران هزینه های مصرفی از بیت المال اقدام نمود. به دیگر سخن بایستی خاطر نشان ساخت از آنجا که مطابق مقدمه قانون اساسی ایران در «ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده دار حکومت و اداره مملکت می گردند» بی شک یکی از جلوه های تصدی گری صالحان، حسن نیت نامبردگان در عرصه رقابت های سیاسی است و رقابت در قالب کاندیدای پوششی و استفاده از منابع بیت المال بدون داشتن انگیزه واقعی، وصف صالح بودن افراد را مورد خدشه قرار می دهد؛ از این جهت ایجاد نوعی ضمانت اجرا برای رفتار سیاسی داوطلبان تصدی منصب ریاست جمهوری، تودیع وثایق می تواند امری قابل تأمل باشد.

موضوع حاضر بنا به اهمیتی که در نظام های مختلف انتخاباتی دارد، مورد استفاده آن نظام ها نیز واقع گردیده و برخی کشورها از آن نیز بهره جستند که در ذیل برخی از آن ها اشاره می شود:

کشور: هند

مبنای قانونی: بند ۱ ماده ۳۴ قانون نمایندگی مردم مصوب ۱۹۵۱^۱
ضمانت اجرا: ضبط وثیقه در صورت عدم کسب حداقل یک ششم مجموع

1. The Representation of the People Act, 1951 Amended (2016)

آراء

کشور: اوکراین

مبنای قانونی: قانون اوکراین درباره انتخاب رئیس‌جمهور^۱
 ضمانت اجرا: ضبط وثیقه در صورت عدم کسب حداقل ۷ درصد مجموع آراء
 کشور: قزاقستان

مبنای قانونی: جز ۵ بند ۵ ماده ۵۹ قانون انتخابات در جمهوری قزاقستان^۲
 ضمانت اجرا: ضبط وثیقه در صورت عدم کسب حداقل ۵ درصد مجموع آراء
 کشور: روسیه

مبنای قانونی: ماده ۳۶ قانون فدرال درباره انتخاب رئیس‌جمهور فدراسیون
 روسیه^۳

ضمانت اجرا: ضبط وثیقه در صورت عدم کسب حداقل ۵ درصد مجموع آراء

۲-۲. ضمانت اجراها

طراحی نظام‌ها و هنجارهای حقوقی بی‌شک نیازمند ضمانت اجراهای مناسب و مقتضی آن است. به عبارتی «قاعده‌ای را که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است [را] نباید در شمار قواعد حقوقی آورد؛ زیرا، اگر اشخاص در اجرای آن آزاد باشند و در برابر تخلف خود هیچ مکافات‌نی نبینند، چگونه می‌توان ادعا کرد که نظامی در جامعه وجود دارد؟» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۵۴) از این روست که «اجرای قانون با پشتیبانی قوه قاهره و اقتدار سیاسی انجام می‌گیرد. فرق قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که عدم پیروی از آن عکس‌العمل دستگاه حکومتی را به دنبال می‌آورد و حکومت اجرای قاعده حقوقی را تضمین می‌نماید» (راسخ، ۱۳۸۵: ۱۶). در موضوع حاضر نیز ممنوعیت حضور کاندیداهای پوششی در نظام انتخاباتی و جلوگیری از اتلاف منابع عمومی و بیت‌المال در راستای واقعی‌تر کردن انتخابات، بدون تعیین و اجرای ضمانت اجراهای مناسب که پشتیبانی قوی سیاسی و قانونی داشته باشد ممکن نیست. از این رو در قسمت حاضر ضمانت اجراهایی که در صورت اثبات پوششی بودن کاندیدایی می‌توان علیه

1. Law of Ukraine on the Election of the President of Ukraine (2009)

2. On Elections in the Republic of Kazakhstan (1995)

3. Federal Law on the Election of the President of the Russian Federation

وی را اعمال نمود، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲. حاجب قانونی؛ محرومیت سیاسی

عرصه سیاست و کنش‌گری سیاسی دارای ملزومات و قواعد خاص خود است و بازیگران این ساحت با درک اقتضائات آن، وارد این گود می‌شوند. به اقتضای چنین فضایی است که رسیدگی به جرایم و تخلفات افراد فعال در این عرصه نیز دارای ویژگی‌هایی نظیر علنی بودن، حضور الزامی هیأت منصفه، افتراق در نوع مجازات و اجرای آن و ... است. همین اثر خود را در موضوع نوشتار حاضر نیز نشان می‌دهد و از آنجا که فعل کاندیداهای پوششی نوعی تخلف و جرم سیاسی محسوب می‌شود؛ بدین سبب لازم است برخورد قاطع و متناسب با آن نیز از باب اصل «تناسب جرم و مجازات» با شخص خاطی انجام شود.

پیرو مقدمه فوق یکی از راهکارهای مقابله با پدیده کاندیدای پوششی اعمال محرومیت‌ها و مجازات‌های سیاسی است. در نظام حقوقی ایران، ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مقامات سیاسی را نام برده است که مطابق این قانون رعایت و طی سلسله مراتب اداری برای تصدی آن مناصب لازم نیست. مطابق این ماده «الف- رؤسای سه قوه. ب- معاون اول رئیس‌جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای نگهبان. ج- وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس‌جمهور. د- استانداران و سفرا. ه- معاونین وزرا» به عنوان مناصب سیاسی معرفی شده‌اند. یکی از ضمانت‌اجراهایی که علیه کاندیداهای پوششی که با رفتار خود قصد اغوا، فریب و انحراف آرای مردم را دارند می‌تواند محرومیت این افراد از انتصاب به مناصب سیاسی در بازه زمانی خاص دانست؛ چرا که این افراد در پی کسب قدرت سیاسی فعالیت نموده‌اند و لازم است محرومیت ایشان نیز در راستای این فعالیت باشد.

محرومیت از تصدی مناصب سیاسی به منظور حفظ سلامت و شفافیت در روند انتخابات تجربه‌ای آزموده در کشورهای مختلف است. در انگلستان، رفتارهای نادرست انتخاباتی، از جمله تلاش‌های عامدانه برای انحراف آراء، توسط ماده ۱۷۳ قانون نمایندگی مردم^۱ جرم‌انگاری شده و می‌تواند منجر به محرومیت‌های سیاسی

1. Representation of the People Act (1983)

شود یا ماده ۸ قانون نمایندگی مردم مصوب ۱۹۵۱ هند^۱ پیش‌بینی نموده است که هر کاندیدایی که به دلیل تخلفات انتخاباتی محکوم شود، می‌تواند تا شش سال از شرکت در انتخابات آینده محروم شود. در کانادا نیز قانون انتخابات^۲ این کشور در ماده ۵۰۲ مقرر نموده اگر فرد مرتکب تقلب انتخاباتی یا رفتارهای نادرست در جریان انتخابات شود، ممکن است با محرومیت از شرکت در انتخابات آینده مواجه شود. این محرومیت‌ها می‌توانند تا هفت سال یا بیشتر طول بکشند.

۲-۲-۲. کیفر مالی متخلف

در بسیاری از کشورها، قوانین انتخاباتی پیش‌بینی‌هایی برای برخورد با تخلفات انتخاباتی، از جمله رفتارهای کاندیداهای پوششی دارند. این پیش‌بینی‌ها شامل مجازات‌های مالی، جریمه‌ها و ضبط و وثایق می‌شود. همان‌طور که پیشتر ذکر گردید، در برخی سیستم‌های انتخاباتی، نامزدهای هنگام ثبت نام نسبت به سپرده‌گذاری وثایق در قالب پول نقد از جانب خود یا حزب متبوعه اقدام می‌کنند تا علاوه بر امکان جبران ضررها و تخلفات در اثنای فرایند انتخابات، از این منابع نسبت به جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی و حفظ شفافیت و عدالت در انتخابات بهره گرفته شود.

نظام‌های انتخاباتی کشورهای مختلف نسبت به وثایق مربوطه مکانیسم‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. در آمریکا قوانین مربوط به کمپین‌های انتخاباتی^۳ و تأمین مالی سخت‌گیری‌های خاص خود را دارد. مطابق این قانون اگر ثابت شود که یک کاندیدا به صورت پوششی وارد انتخابات شده و قوانین مالی انتخاباتی را نقض کرده، طبق بخش ۴۴۱a ممکن است با جریمه‌های سنگین مالی یا ضبط وثایق مواجه شود. در انگلستان قوانین انتخاباتی شامل مواردی است که هرگونه رفتار نادرست انتخاباتی از جمله حضور کاندیداهای پوششی را ممنوع می‌کند. این قوانین به ویژه بر شفافیت مالی و عدالت در رقابت تأکید دارند. مطابق بخش ۱۰۶ قانون نمایندگی مردم^۴، کاندیداهایی که اطلاعات غلط و گمراه‌کننده منتشر نمایند، با جریمه‌های

1. The Representation of the People Act, 1951 Amended (2016)

2. Canada Elections Act (2000)

3. Federal Election Campaign Act (FECA).

4. Representation of the People Act (1983)

چند ده هزار پوندی و همچنین در صورت اثبات تخلف به وسیله دادگاه، به ضبط وثایق محکوم می‌شوند. بخش ۱۲۳ قانون نمایندگی مردم^۱ مربوط به کشور هند به رفتارهای نادرست انتخاباتی از جمله تقلب و فساد اشاره دارد. مطابق این بخش، دادگاه می‌تواند دستور به ضبط وثایق مالی مرتبط با تخلفات انتخاباتی دهد. در کانادا مطابق قانون انتخابات^۲، رفتارهای نادرست از جمله کاندیداتوری پوششی می‌تواند منجر به جریمه‌های مالی و ضبط وثایق شود. بخش ۴۹۷ این قانون به مجازات‌های مرتبط با تخلفات انتخاباتی اشاره دارد. بر این اساس جریمه‌های مالی ممکن است شامل مبالغ بالایی باشد که بسته به شدت تخلف تعیین می‌شود. همچنین در صورت اثبات تخلف، وثایق و منابع مالی مرتبط با کمپین انتخاباتی ممکن است ضبط شود.

قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران به بحث جریمه مالی نامزدهای انتخاباتی به ویژه نامزدهای پوششی پرداخته است، اما با فرض سپرده‌گذاری وثیقه توسط ایشان می‌توان چنین امری را در قانون با لحاظ شروطی پیش‌بینی نمود. با عنایت به این‌که در نظام انتخاباتی ایران، فرایند بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان وجود دارد، بایستی سپرده‌گذاری وثیقه را با موضوع تعیین صلاحیت جمع نمود. بدین صورت که نامزدهای دارای شرایط اولیه هنگام ثبت نام وثیقه خود را به نهاد مقرر ارائه نمایند و در صورت انصراف پیش از اعلام نتایج صلاحیت‌سنجی، عدم احراز صلاحیت، حضور تا پایان انتخابات و اعلام انصراف از کاندیداتوری ظرف مدت مقرر مثلاً حداکثر سه روز پس از اعلام نتایج صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان و پیش از استفاده از امکانات عمومی، وثیقه آن‌ها به ایشان عودت داده شود؛ و تنها در حالتی که پس از زمان مقرر در بند د فوق انصراف دهند، عنوان نامزد پوششی بر ایشان حمل و وثیقه آنان به طور کامل به نفع دولت ضبط گردد.

1. The Representation of the People Act, 1951 Amended (2016)

2. Canada Elections Act (2000)

برآمد

۱- انتخابات مظهر تعیین سرنوشت و اعمال اراده سیاسی است و از ماحصل آن، سرنوشت جمعی و خط‌مشی اداره عمومی جامعه تعیین می‌گردد. از این رو واقعی‌تر کردن، شفاف‌سازی و هنجارمند ساختن آن، امری بدیهی به منظور دست یازیدن به اهداف غایی آن است. مقوله انتخابات امری تحولی است. بدین معنا که در گذر دوره‌های مختلف و از طریق تجربه زیست سیاسی افراد، بازیگران و نهادهای مسؤول، پاسخ‌هایی جدید به مسائل نوظهور ارائه گردیده و تحولات دائمی در ساخت قوانین انتخابات رخ می‌دهد. نظام حقوقی سیاسی ایران نیز از گزاره مزبور گریزان نیست و قانون‌گذار و بازیگران سیاسی همت بر آن ورزیده‌اند که پاسخ‌هایی در خور به پدیده‌های عرصه سیاسی دهند.

۲- پدیده نامزد پوششی که در سالیان اخیر در بستر انتخابات ریاست جمهوری ایران خود را نمایان ساخته، یکی از رخ‌دادهای جدیدی است که عرصه‌های حقوقی، سیاسی، جامعه‌شناسی و اخلاقی انتخابات ایران را درگیر موضوعات خاص خود نموده است. این نمود سیاسی، عرصه جامعه که بایستی مظهر اعتماد عمومی بین مردم و حاکمیت باشد را به شدت مورد لطمه قرار داده و نه تنها سرمایه اجتماعی نهادهای حکمرانی را کاهش داده و اخلاق عمومی را مورد خدشه قرار می‌دهد، بلکه موجب اتلاف منابع عمومی از جمله امکانات دولتی صرف شده برای تبلیغات می‌شود و از این مجرا هزینه‌ای گزاف و بی‌ثمر را به بودجه تحمیل و موجبات اسراف و اتلاف در بیت‌المال را باعث می‌شوند.

۳- با مطالعه تطبیقی در نظام قوانین موضوعه دیگر کشورها در مقاله حاضر مشخص گردید که این کشورها نه تنها راهکارهای مشخصی نظیر لزوم اخذ تأییدیه از عموم، ضرورت معرفی نامزدهای انتخاباتی از سوی احزاب و اخذ سپرده انتخاباتی در قبال بهره‌گیری از امکانات بیت‌المال به منظور کاهش نامزدهای پوششی و واقعی‌تر کردن کاندیداها اتخاذ کرده‌اند؛ بلکه با تعیین ضمانت‌اجراهایی مثل پیش‌بینی محرومیت‌های سیاسی و مجازات‌های مالی، اعمال هزینه‌های قابل توجهی را برای فعالیت‌های ناشی از ریسک قدرت در پیش گرفته‌اند. به عبارتی این نظام‌ها خرج چک بی‌محل و بی‌پشتوانه سیاسی را ممنوع و آن را اختلالی در بر اصل انتخابات تلقی

کرده‌اند.

۴- لازم است قانون انتخابات ریاست جمهوری به ویژه تبصره ماده ۵۵ آن در خصوص نحوه انصراف داوطلبان اصلاح و از حالت رها و بی‌منطق فعلی جدا و نظام حقوقی خاصی مبتنی بر شناسایی مسؤولیت داوطلبانی که از این تبصره که به نوعی خلأیی حقوقی در قانون است تعیین شود.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، مشروح مذاکرات قانون اساسی، جلد نخست، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- * باقری خوزانی، محمدحسن و عطریان، فرامرز و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰)، «حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات»، دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۳.
- * تقی‌زاده، جواد و علی‌کرمی، مظفر (۱۳۹۱)، «مفهوم مسؤلیت اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی، دوره ۴، شماره ۱.
- * حبیب‌نژاد، سید احمد و سعید، سیده زهرا (۱۳۹۶)، «لزوم گذار از «تعهد به وسیله» به «تعهد به نتیجه» در تفسیر تعهدات دولت در اصل سوم قانون اساسی»، حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۳.
- * حبیب‌نژاد، سید احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۶)، «امانی بودن مناصب عمومی در نظام حقوق اساسی ایران با تأکید بر اندیشه علوی، حکومت اسلامی»، سال بیست و دوم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
- * راسخ، محمد (۱۳۸۵)، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- * رجایی، سید محمدکاظم و خطیبی، مهدی (۱۳۹۱)، «معیارهای فقهی اسراف»، اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- * رستمی، ولی و موسی‌پور، میثم (۱۳۹۰)، «تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رئیس‌جمهور»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱.
- * زرافشان، محمدهادی و رحمانی، قدرت‌الله (۱۴۰۳)، «الزامات تأمین مالی عمومی رقابت‌های انتخاباتی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات»، دانش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۴۳).
- * زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳)، «احزاب سیاسی و نقش آن در

توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، علوم سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۲۹.

* ستاد انتخابات وزارت کشور (۱۳۹۴)، «دستورالعمل فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات در فضای مجازی».

* سمائی صحنه‌سرائی، مهدی و حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۴۰۲)، «قاضی همچون نگهبان حق‌ها؛ جستاری درباره رویکرد حق‌محور به کنشگری قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۲.

* طحان نظیف، هادی و مطیعی، محمدجواد (۱۳۹۹)، «واکاوی تعاریف مصوبه شورای نگهبان از رجل مذهبی سیاسی، مدیر و مدبر»، دانش حقوق عمومی، دوره ۹، شماره ۲۷.

* قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «بایسته‌های حقوق اساسی»، تهران: دادگستر.

* کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق، چاپ هفتاد و نهم، تهران: انتشارات سهامی انتشار.

* مهرپور، حسین (۱۳۸۰)، «کندوکاوی در جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام»، راهبرد، دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۲۰).

* موحدی‌محب، مهدی (۱۴۰۰)، «رجال مذهبی و سیاسی» به عنوان قید غالبی در اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۹۶.

* موسی‌زاده، ابراهیم و نصرالهی نصرآباد، علیرضا و منصوریان، مصطفی (۱۴۰۲)، «کاربست نظریه‌ی احیای حقوق عامه در دادرسی اداری: مطالعه‌ی آرای مؤسسان اساسی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.

* میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.

ب. عربی

* ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴ ق)، معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

* ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، جلد چهارم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.

* حلی، ابن ادريس (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی**، جلد نخست، قم: موسسه نشر اسلامي وابسته به جامعه مدرسین.

* صدوق قمی، محمد بن علی (۱۳۷۸)، **عیون اخبار الرضا**، جلد دوم، قم: جهان.

* نراقی، احمد (۱۴۱۷)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پ. انگلیسی

* Damore, D.F. Hansford, T.G. & Barghothi, A.J (2010), **Explaining the Decision to Withdraw from a U.S. Presidential Nomination Campaign**. Polit Behav 32.

* Inácio, M & Llanos, M (2015), **"The Institutional Presidency from a Comparative Perspective: Argentina and Brazil since the 1980s"**, Journal of The Brazilian Political Science Association, 9, 1.

* **On Elections in the Republic of Kazakhstan**, 1995

* Özkaya, O. & Ünalp Çepel, Z (2023), **2022 Presidential Election in France: An Assessment of Foreign Policy Analysis**. Dokuz Eylül University Journal of Faculty of Business, 24(1).

ت. اینترنتی

* درویش‌زاده، محمد، **نامزدهای انصرافی در انتخابات ریاست جمهوری شرعاً و قانوناً باید خسارت بیت‌المال را بپردازند**، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۴/۱۱، www.entekhab.ir/fa/news/796707/

* لغت‌نامه آن‌لاین دهخدا، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵، www.dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/